

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۹ نومبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۱۲

مواد تاریخ

۱۵

در تعزیت فوت غفارخان نوجوان^۱

چند ازان زیبا سوار^۲ عرصه مردانگی
ماه اوج خسروی، غفارخان، کز طلعتش
بود تابان آفتابی، بر سپهر مکرمت
از جمالش بوستان خرم شدی، هنگام بزم
گاه تیغش در مصاف از کوه افگندی، کمر^۳
وقت بخشش صد هزاران همچو معن زانده
چشم ابر از شرم جود بیقیاسش، پر ز اشک
کآسمان بر توسن عمرش دگرگون بست زین
خیره گشتی دیده خورشید، بر چرخ برین
بود رخشان آسمانی، در جهان داد و دین
وز نهیبش ازدها پیچان شدی، در روز کین
گاه تیرش از کمان بر شیر بگشادی، کمین
بود گرد خرمن جود و نوالش، خوشه چین
روی بحر از رشک بذل بیحسابش، پر ز چین

^۱ عنوان در اصل دیوان حاضر "در تعزیت غفارخان که در سن نوجوانی فوت نموده بود" آمده است، که به صورت بالا مختصر شد:

^۲ الف. جوان

^۳ الف. سیر

ناگهان از گردش افلاک در ماه صَفَر شاهبازی بود، شاخ سدره گشتش آشیان زین مصیبت کرد گردون جامه سر تا پا کبود این نه ابر است و نه باران بل ز روی تعزیت چون، ازین محنت سرای فانی ناپایدار سال تاریخ وفاتش را "شهاب" از پیر عقل عقل از اندوه نالان گشت، گفتا: "آه آه رخت بریست و سفر کرد از سرای ماء و طین آفتابی بود، شد بر آسمان مسند نشین زین عزا پوشید شب، بر تن لباس عنبرین آسمان از گریه افکنده ست بر رخ، آستین رفت سوی دارِ خلد، آن نامدار بیقرین جُست با چشم پر آب و خاطر اندوه و کین کآسمانی را نهان کرد آسمان زیر زمین"^۴

^۴ "سرای ماء و طین"؛ یعنی "خانه آب و گل" - در عربی "آب" را "ماء" گویند و "گل" را "طین" ^۵ ۱۲۰۱ هـ